

## سیل خروشان اعتراضات مردم و اهمیت اعتصابات سراسری

بیش از دو هفته از اعتراضات خیابانی مردم به ستوه آمده خوزستان می گذرد. خوزستانی خشک، خوزستانی تشنه و خوزستانی بی آب. اعتراضات مردم خوزستان از شامگاه پنجشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۰، از اهواز شروع شد، به سوسنگرد و شادگان و حمیدیه رسید، و پس از آن به سرعت تمام شهرهای خوزستان خشک و تفتان را فرا گرفت. اعتراضی که با فریاد "ما تشنه هستیم" شروع شد، اما فریاد خشم و نفرت و انزجار بدور ماندگان از آب شرب و کشاورزی در اندک زمانی با فریاد مرگ بر خامنه ای در آمیخت و به اعتراضات ضد حکومتی تبدیل شد. پاسخ رژیم اما طبق معمول، سرکوب بود و شلیک گلوله بر سر و سینه و قلب مردمی که تشنگی خود را فریاد می زنند. در پی سرکوب، تعدادی کشته، ده ها نفر زخمی و صدها نفر دیگر بازداشت شده اند. کشته شدگانی که همگی جوانند و در میان زخمی ها و دستگیرشدگان نیز اسامی کودکان و نوجوانان بسیاری به چشم می خورد. بیمارستانها نیز برای بازداشت زخمی ها در محاصره نیروهای سرکوبگر رژیم قرار دارند. به رغم کشتار و سرکوب و دستگیری های وسیع، اعتراضات اما متوقف نشد. نه تنها متوقف نشد، بلکه به شهرهای بیرون از استان خوزستان نیز کشیده شد. تا کنون مردم شهرهای بیش از ۱۵ استان در حمایت از مردم خوزستان به اعتراض برخاسته اند. مردمی که درد مشترک دارند، مردمی که از بیکاری و بی آبی و فقر به ستوه آمده اند. مردمی خشمگین در زیرآوار سیاست های ویرانگر جمهوری اسلامی که سرکوب و کشتار و بازداشت را به هیچ گرفته و با مشت های گره کرده برای سرنگونی جمهوری اسلامی همانند سیلی خروشان به خیابان ها سرازیر شده اند.

در روزهای سوم و چهارم اعتراضات، خوزستان یکپارچه گر گرفت و پس از آن، شهرهای ایران یکی پس از دیگری به مدلی و همبستگی با خوزستان تشنه برخاستند. مردم شاهین شهر اصفهان، با شعار "خوزستان، اصفهان- اتحاد، اتحاد" به خیابان ریختند، مردم تبریز با شعار "آذربایجان بیدار است- حامی خوزستان است" و "آذربایجان عرب فارس - اتحاد اتحاد"، به مبارزه با جمهوری اسلامی برخاستند. معترضان بلوچ، محور ایرانشهر به مکز را تصرف کردند، جوانان گردکوی در استان گلستان، جاده اصلی منطقه را مسدود و راه تردد بر خودروها را بستند. مردم سقز، بجنورد،

درصفحه ۲

## پاسخ کارگران هفتتپه به بی اعتنایی طبقه حاکم



اعتصاب، تجمع و اعتراض خیابانی درکشت و صنعت نیشکر هفتتپه ادامه دارد. بهرغم آنکه بیش از پنج ماه از صدور رأی خلعید از اسدیگی می گذرد و به رغم آنکه رأی ابطال واگذاری و فسخ قرارداد بخش خصوصی شرکت و واگذاری آن به دولت در ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ در روزنامه های رسمی دولتی اعلام شد، اما نه فقط هیچ گونه تغییر و تحولی در این شرکت به سود کارگران حاصل نشده، بلکه مدیران منصوب و سرسپرده اسدیگی کماکان اداره امور شرکت را در

درصفحه ۳

## رویارویی مستقیم خامنه ای با روحانی در جلسه وداع

اجازه داده شود آن را امضا کند. "اگر به عراقچی اختیار بدهند، فردا نه بلکه همین امروز تحریم ها را برمی دارد." پوشید نبود که چنین اجازه ای را تنها خامنه ای می توانست به عراقچی بدهد که نداد. بنابراین روحانی به شکلی پوشیده مسئولیت بی نتیجه ماندن مذاکرات و رد توافق را بر عهده خامنه ای قرارداد.

خامنه ای هم در این نشست حرف دیگری جز این

درصفحه ۸

آخرین جلسه اعضای کابینه حسن روحانی با علی خامنه ای در چهارشنبه گذشته با تمام حاشیه های آن انعکاسی بود از اختلافات و شکاف هایی که در بطن بحران سیاسی کنونی، طبقه حاکم را فراگرفته است.

از هفته ها پیش از توقف مذاکرات احیای برجام، حسن روحانی به دفعات در هر فرصتی عنوان کرده بود که توافق بر سر احیای برجام صورت گرفته و آنچه باقی مانده این است که به عراقچی

## "صیانت از کاربران فضای مجازی" یا "صیانت از جمهوری دزدان و فاسدان"

دنیال تصویب چه قانونی و با چه اهدافی است. مجلسیان با بهره گیری از اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی که براساس آن مجلس می تواند در موارد ضروری اختیار وضع بعضی از قوانین را تفویض کرده و قانون برای مدتی که مجلس تعیین می کند به صورت آزمایشی اجرا شود، به این کمیسیون ویژه اختیار چگونگی تصویب این قانون را دادند. در جلسه مجلس ابوالفضل ابوترابی نماینده مجلس اسلامی از نجف آباد و از حامیان طرح گفت: "در صورتی که طرح صیانت از حقوق مجازی طبق اصل

درصفحه ۵

روز چهارشنبه ششم مرداد، مجلس اسلامی تصویب "قانون" کنترل فضای مجازی به منظور جلوگیری از پخش آزادانه اخبار و اندیشه و بیان را با ۱۲۱ رأی موافق در برابر ۷۴ رأی مخالف و ۹ ممتنع به کمیسیونی متشکل از نمایندگان چند کمیسیون با مرکزیت کمیسیون فرهنگی تصویب کرد. مجلس اسلامی با واگذاری تصویب این قانون به یک کمیسیون آن هم در جلسه ای غیرعلنی می خواهد اهداف خود و حکومت را با بررسی طرح در یک کمیسیون و تصویب آن در پشت درهای بسته، از چشم توده ها مخفی نگاه دارد. اما کیست که نداند جمهوری اسلامی به

## گزارش کوتاهی از آکسیون ۳۱ جولای در میدان ترافگار در لندن

درصفحه ۴

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## سیل خروشان اعتراضات مردم و اهمیت اعتصابات سراسری

بوشهر، البرز، تهران، کرج، الیگودرز، چهارمحال بختیاری، ویس، گناوه و برازجان هرکدام به دلیلی از جمله در اعتراض به خاموشی های مکرر برق به خیابان آمدند و درد مشترک تمامی مردم ایران را فریاد زدند. اعتراضاتی که در همه شهرها پس از حضور در خیابان و اعلام همبستگی با مردم خوزستان به سرعت رنگ و بوی سیاسی گرفت و به تظاهرات ضد حکومتی تبدیل شد. و بدین سان شهرهای بیش از ۱۵ استان کشور به راه افتاد. در بهارستان اصفهان، بزرگ خاмене ای به آتش کشیده شد، شعار مرگ بر خاмене ای در هر اعتراضی بلند شد و فریاد "خوزستان، تنها نیست" و "خوزستان، خوزستان - حمایت می کنیم"، با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در تمامی اعتراضات خیابانی طنین انداز شد.

آنچه اکنون در تمامی این شهرهای بپا خاسته مشهود است، سیل خروشان همبستگی و همدردی توده های مردم ایران است که از هر سو به سمت خوزستان تشنه، خوزستان تقان و خوزستان سرکوب شده جاری است. کانون نویسندگان ایران، سرکوب مردم خوزستان را محکوم و در همبستگی با آنان اطلاعیه حمایتی داد. تشکل های کارگری به حمایت از مردم خوزستان برخاستند. خبرنگاران مستقل، صدای زخمی خوزستان را پژواک دادند. صدها نفر از کشرگران سیاسی، فعالان اجتماعی و هنرمندان داخل کشور با اعتراضات مردم خوزستان اعلام همبستگی کردند. به یکباره، شور و شوقی وافر از مبارزه و ایستادگی علیه جمهوری اسلامی در سراسر کشور به راه افتاده است. شور و شوقی برآمده از دوران انقلابی حاکم بر جامعه، دورانی که به توده های فرو رانده به زیر آوار فقر و گرسنگی و بی آبی جرأت اعتراض بخشیده تا درد مشترک خود را علنا فریاد کنند. دورانی پر تلاطم و انقلابی که سیاست سرکوب را بی اثر کرده و مردم خشمگین را به خیابان ها کشانده است. دورانی که توده های مردم ایران دیگر قادر به تحمل وضعیت موجود نیستند و برای تغییر آن به صورت علنی و با مشت های گره کرده در خیابان ها بپا خاسته اند.

آنچه این روزها جامعه را فرا گفته است، آنچه از اعتراضات و خیزش هایی که اکنون شاهدش هستیم، اتحادی که این روزها لایه های مختلف مردم را به هم پیوند زده و همبستگی شورانگیزی که با مردم خوزستان ایجاد شده است، جملگی برای طبقه کارگر و عموم توده های مردم ایران که خواهان تغییر بنیادی وضعیت موجودند، بسیار شوق انگیز است. به رغم شور و شوق و تحرک وافر که اعتراضات خیابانی شهرهای مختلف ایران در پیشروی مبارزات جاری جامعه به جا گذاشته است، به رغم امید که این روزها، سراسر کشور را فرا گرفته است، اعتراضات جاری در بطن خود اما با ضعف ها و کاستی هایی مواجه اند. موانع و کاستی هایی که اگر جنبش مبارزاتی توده های مردم ایران بر آن فائق نشود، چه بسا مبارزات توده های مردم ایران این بار نیز همانند سال ۵۷، با خسران های جدی مواجه گردد.

پراکندگی، گوناگونی و تنوع شعارهای سیاسی که بعضی از شعارها دربرگیرنده منافع و مطالبات سیاسی اقلیت کوچکی از جامعه است، می تواند ناهمواری هایی در مسیر مبارزات اکثریت توده

های مردم ایران که خواهان سرنگونی انقلابی کل طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار منافع آن هستند، ایجاد کند. شعار مرگ بر خاмене ای، مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه به دلیل خشم و نفرت و انزجاری که مردم از خاмене ای به عنوان سر افعی جمهوری اسلامی دارند، اگر چه برای تهییج و تحریک اولیه هر اعتراضی موثر است، اما باید توجه داشت که مشکل ۴۲ ساله کارگران و عموم توده های مردم ایران صرفا خاмене ای نیست. انبوه معضلاتی که کارگران و توده های مردم ایران با آن مواجه هستند، با رفتن خاмене ای، نفی اصل ولایت فقیه، رفتن این یا آن جناح بورژوازی حاکم بر ایران حل نخواهد شد. تجربه انقلاب ۵۷ و تاکید بر اینکه فقط شاه باید برود نه کل نظم طبقاتی موجود، بیش از ۴۲ سال است که حی و حاضر در مقابل چشمان ماست. لذا، آنچه اکنون باید توجه داشت، سرنگونی کامل نظام جمهوری اسلامی همراه با نظم سرمایه داری حاکم بر ایران است. از این رو به جای مرگ بر خاмене ای و مرگ بر دیکتاتور، لازم است همواره بر شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "جمهوری اسلامی نابود باید گردد- حکومت شورایی ایجاد باید گردد"، تاکید شود. این دو شعار می تواند از جمله شعارهای سیاسی مشترک و وحدت آفرین برای عموم توده های مردم ایران در هر اعتراض و تجمع خیابانی باشد.

در آبان ۹۷، کارگران مبارز هفت تپه با تبیین شعار "نان، کار، آزادی- اداره شورایی"، فصل نوینی از مبارزات کارگری را رقم زدند. از آن زمان سه سال گذشته است. در شرایط کنونی، جنبش مبارزاتی و خیابانی توده های مردم ایران چندین گام از آن سال ها جلوتر است، هم اینکه بحران سیاسی سراسر کشور را فرا گرفته است. بحران سیاسی، راه حل سیاسی را طلب می کند. در وضعیتی که اکنون هستیم، سر دادن شعار "نان، کار، آزادی- اداره شورایی" و به تعبیری صحیحتر، " کار، نان، آزادی- حکومت شورایی"، می تواند و می بایست به عنوان یک شعار ایجابی و بدیل جمهوری اسلامی در هر اعتراض خیابانی طنین انداز گردد. شعار کار، نان، آزادی در بر گیرنده اصلی ترین خواست کارگران و عموم توده های مردم ایران است. این شعار می تواند شعار مردم خوزستان باشد که در بی آبی و تشنگی و بی کاری له له می زنند. می تواند شعار مردم سیستان و بلوچستان باشد، که در حسرت کار، نان، آزادی می سوزند. این شعار می تواند برای عموم توده های مردم ایران باشد که در فقر و فلاکت و بیکاری بسر می برند. مهمتر اینکه، شعار " کار، نان، آزادی- حکومت شورایی" می تواند راه نفوذ تمامی گرایشات رنگارنگ بورژوازی را که جملگی بر حفظ نظم استثمارگرانه حاکم بر ایران تاکید دارند، مسدود کند.

عدم همراهی و همبستگی عملی طبقه کارگر با مبارزات خیابانی توده های مردم ایران در این برهه معین زمانی، موضوع مهم دیگری است که اگر طبقه کارگر به سرعت بر این معضل فائق نشود بدون شک خسران های جبران ناپذیری بر روند مبارزات علنی و خیابانی توده های مردم ایران وارد خواهد شد. تجربه خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ و قیام آبان ۹۸ به خوبی نشان داده است که بدون حضور فعال و موثر طبقه کارگر در همراهی با اعتراضات

مردمی، دست رژیم برای سرکوب اعتراضات خیابانی بازتر است. پوشیده نیست، همراهی و همبستگی طبقه کارگر با جنبش اعتراضی مردم ایران، صرفا با صدور اطلاعیه ها و یا اعلام همبستگی این یا آن نهاد و تشکل کارگری (که بسیار هم خوب و مفید است) متحقق نخواهد شد. آنچه در این برهه زمانی، گسترش و ادامه کاری مبارزات خیابانی مردم را تضمین می کند، همانا ورود پر قدرت طبقه کارگر به میدان مبارزه و اقدام به اعتصابات سراسری کارگری است. طبقه کارگر، پیشروان و رهبران عملی مبارزات کارگری و تمامی احزاب و سازمان های چپ و کمونیست که مدافع طبقه کارگر هستند، همواره و با صراحت تمام اعلام کرده اند که بدون رهبری و هژمونی طبقه کارگر، انقلاب کنونی مردم ایران حتما اگر به سرنگونی جمهوری اسلامی هم منجر شود، چه بسا همانند انقلاب ۵۷، به نفع طبقه کارگر و توده های کار و زحمت منتهی نشود. هژمونی طبقه کارگر برای هدایت مبارزات توده های مردم ایران در سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، اولین شرط پیروزی انقلاب اجتماعی به نفع عموم توده های مردم ایران است. روشن است که هژمونی طبقه کارگر و پذیرش عملی و معنوی این هژمونی از طرف توده ها و بخش های مختلف جامعه نه در حرف و نه صرفا با صدور اطلاعیه های همبستگی، بلکه با ورود پر قدرت طبقه کارگر به میدان مبارزه و اقدام به اعتصابات سراسری به دست می آید.

قیل از ۲۴ تیر، پیش از آنکه مردم خوزستان تشنگی خود را فریاد زنند، کارگران پروژه ای نفت و پتروشیمی، و کارگران نیشکر هفت تپه در اعتصاب بودند. اکنون بیش از دو هفته از اعتراضات توده ای در خوزستان و بیش از ۱۵ استان کشور می گذرد. در این مدت، کارگران هیچ کارخانه و معدن و رشته های تولیدی در یک اقدام عملی حتما با تعطیل کردن دو ساعت کار روزانه به حمایت از مبارزات خیابانی مردم ایران بر نخاسته اند. پیش از آنکه دیر شود و اعتراضات گسترش یابنده توده ای به دست جلدان حاکم سرکوب و قلع و قمع و به شکست کشانده شود، طبقه کارگر باید اعتصابات سراسری خود را سازمان داده و فعالانه وارد عرصه مبارزه سیاسی شود.

آنچه در انقلاب ۵۷ رخ داد، اعتصابی شکوهمند اما دیر هنگام بود. اعتصابی که اگر چه کمر رژیم سلطنتی را شکست، اگر چه حکومت پادشاهی را ساقط کرد، اما به دلیل دیر هنگام بودن اعتصابات سراسری کارگران نفت نتایج مطلوب را در پی نداشت. طبقه کارگر به خاطر فقدان تشکل و قدرت رهبری کننده، نتوانست در جایگاه یک طبقه مستقل و متشکل ظاهر شود. انقلاب به یغمارفت و بسیاری از دستاوردهای مبارزاتی کارگران به سرعت بازپس گرفته شد. اگر قرار است به سرنوشت ۵۷ دچار نشویم، اگر قرار است اینبار طبقه کارگر و عموم توده های مردم ایران صاحبان واقعی انقلاب باشند و از تحمل ۴۲ سال رنج و سرکوب و فقر و فلاکت و بیکاری رهایی یابند، باید بدانیم که رهایی و نجات طبقه کارگر و عموم توده های مردم ایران صرفا با سرنگونی جمهوری اسلامی محقق نخواهد شد. پیروزی انقلاب اجتماعی و رهایی توده های کار و زحمت در گرو رهبری انقلاب به دست طبقه کارگر در مسیر تحقق حاکمیت

## پاسخ کارگران هفتتپه به بی‌اعتنایی طبقه حاکم



طبقه، ده‌ها کارگر آگاه و فعال سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه بارها احضار و بازداشت‌شده، مورد بازجویی و ارباب قرار گرفته، به زندان افتاده و حتی مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفته‌اند. دستگاه امنیتی و قضایی بیش از ۲۰۰ پرونده برای کارگران و فعالان کارگری هفتتپه تشکیل داده‌اند. به‌مکرات دستمزد کارگران گروگان گرفته‌شده و خانواده‌ها را در تنگنای شدید مالی و معیشتی قرار داده‌اند. هم‌اکنون سه ماه است حقوق کارگران پرداخت‌نشده است. بیماری کرونا پنج هزار کارگر هفتتپه و هزاران عضو خانواده آن‌ها را تهدید می‌کند. درحالی‌که دولت و کارفرما موظف هستند کارگران هفتتپه و خانواده آن‌ها را علیه ویروس کرونا واکسینه کنند، اما هیچ‌کس به فکر کارگران نیست. طبقه حاکم و دستگاه دولتی از جهت گوناگونی کارگران هفتتپه را تحت‌فشار قرار داده و دامنه سرکوب و اعمال فشار را تا مدافعان حقوق کارگران هفتتپه از جمله فرزانه زیلابی وکیل مبارز کارگران هفتتپه و سپیده قلیان دانشجویی که به قول سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه "در کنار کارگران اعتصابی هفتتپه، شیر زنانه ایستاد" نیز تعمیم داده اند.

درست در روزهای پخش خبر خوشحال‌کننده اعلام خلعید از اسدییگی، وکیل شجاع کارگران هفتتپه، احضار و پروسه پرونده‌سازی دستگاه امنیتی-قضایی رژیم علیه وی آغاز شد. پرونده‌ای که در دادگاه شوش تشکیل شده بود، به بازپرسی اهواز منتقل شد و در نهایت با چند فقره اتهامات کلیشه‌ای و البته واهی، برای این وکیل، قرار منع اشتغال به وکالت برای مدت شش ماه صادر شد. صرف‌نظر از عناوین اتهاماتی که به زیلابی نسبت داده‌شده که به قول ناصر زرافشان وکیل فرزانه زیلابی، یکسره "زبان اطلاعاتی" دارند "نه زبان قضایی"، اما تصمیمات و قرارهای صادرشده نیز نه به زیلابی ابلاغ شد و نه به وکیل وی ناصر زرافشان.

البته این اقدام دستگاه امنیتی-قضایی در سطح گسترده‌ای مورد اعتراض واقع شد. کارگران هفتتپه و سندیکای آن‌ها بارها این اقدام را محکوم نموده و از وکیل خود حمایت و پشتیبانی کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد و سایر تشکلهای مستقل به‌شدت نسبت به این اقدام اعتراض و آن را محکوم نموده و خواهان پایان پرونده‌سازی علیه زیلابی شده‌اند. ناصر زرافشان وکیل زیلابی به‌شدت نسبت به این اقدام اعتراض نموده است. علاوه بر آن چهار وکیل دیگر که در کارنامه خود دفاع از کارگران هفتتپه را نیز دارند، از فرزانه زیلابی دفاع نموده و اقدامات وی را در نهایت قانون‌مداری و ارزش‌های حرفه‌ای دانستند. بسیاری دیگر از وکلا مانند کانون وکلای دادگستری گیلان و همچنین ۳۶۶ وکیل دیگر نسبت به بفرار منع اشتغال به وکالت زیلابی اعتراض کردند.

علی‌رغم این اعتراضات، دستگاه امنیتی-قضایی به تشدید فشار و پرونده‌سازی علیه فرزانه زیلابی

برای لحظاتی به اشغال خویش درآوردند. ابراهیم عباسی منجری در سخنان خویش در تجمع کارگران مقابل فرمانداری، به این واقعبت تلخ اشاره کرد که پس از ۱۸ روز اعتصاب و تجمع در محوطه شرکت که گوش شنوایی برای شنیدن صدای کارگران پیدا نشد، اکنون این کارگران وارد خیابان شده‌اند بلکه فریادشان به گوش مقامات و مسئولین برسد. عباسی بار دیگر مجموعه مطالبات کارگران را برشمرد و تأکید کرد "یک‌قدم از مطالبات خود عقب نخواهیم رفت". وی یادآوری کرد که مبارزه تا تحقق کامل این مطالبات ادامه دارد. ابراهیم عباسی نماینده کارگران هفتتپه در این سخنرانی ضمن تأکید بر صنفی بودن مطالبات، بار دیگر از حقوق مردم خوزستان از جمله حق آبه دفاع و حمایت کرد و تصریح نمود هر کارگر هفتتپه به‌عنوان یک شهروند حق دارد نسبت به سیاست‌های کلان دولت و محدودیت‌های اینترنتی اعتراض کند. او از حق مردم برای واکنش‌ها شدن در برابر بیماری کرونا دفاع نمود و سیاست دولت در زمینه واکسیناسیون و مدیریت آن را شدیداً به باد انتقاد گرفت. عباسی درواقع به "خشکم‌زانی" که به کارگران هفتتپه "انگ" می‌زنند و چنین نصیحت می‌کنند که "مطالبات صنفی را نباید قاطی مطالبات دیگر کرد" و همه آنانی که به تلویح یا بصراحت خواهان بی‌تفاوتی کارگران نسبت به مسائل سیاسی و عمومی جامعه هستند و از کارگران می‌خواهند که مواضع و خواست آن‌ها از حد دستمزد و مسائل شرکت فراتر نرود پاسخ دندان‌شکنی داد و با انتقاد از سیاست‌های دولت و مجلس و گفتن اینکه "در دوره مشروطیت، لیاخوف مجلس را به توپ بست اما اکنون لیاخوف‌ها رفتند مجلس و مردم را به توپ می‌بندند" آب پاکی روی دست این گرایش ریخت. وی درعین حال برای خنثی سازی هرگونه بهانه جویی، ضمن تأکید برمسالمت آمیز بودن اعتراض خیابانی کارگران هفتتپه، از آنان خواست باشعار "مظاهرات سلمیه - مطالبات صنفیه" به اعتراض و راهپیمایی درسطح شهر ادامه دهند.

فقط گرایش تقلیل دهندهی خواست‌ها و کاهش سطح و عمق مبارزات کارگران هفتتپه نیست که می‌کوشد با "انگ زدن" بر کارگران هفتتپه به‌یژه نمایندگان آن‌ها، دستگاه امنیتی را برای اعمال



سرکوب و بازداشت و زندان جری‌تر ساخته و حربه همیشگی آن را تیزتر کند. سرکوب کارگران هفتتپه سال‌هاست که به طرز سیستماتیک درحال اجراست. در جریان مبارزات کارگران هفتتپه، به خواست و ارادهی طبقه سرمایه‌دار حاکم و دولت این

دست دارند و فشار علیه کارگران هفتتپه را بیش‌ازپیش تشدید کرده‌اند. درست از فردای اعلام حکم خلعید از اسدییگی آب را بر روی مزارع نیشکر بستند. حق آبه به نصف و حدود یک‌سوم تقلیل یافت. خطر نابودی مزارع نیشکر و تعطیلی کارخانه و کل شرکت، به کابوسی برای کل کارگران هفتتپه و خانواده‌ها تبدیل شد. کارفرمای خلعید شده و مدیریت شرکت که حامیان بسیاری در دستگاه دولتی دارند، عامدانه شرکت را در حالت بلاتکلیفی قرار داده، دستمزدها را گروگان گرفته و کارگران را از همه سو تحت‌فشار گذاشته‌اند. آشکارا دست‌هایی در کار بوده‌اند و هستند که کارگران را



خسته و فرسوده سازند تا اگر بتوانند اداره هفتتپه را دوباره به دست اسدییگی که هنوز به‌طور قطعی از هفتتپه ریش‌مکن نشده بیاورند. کارگران هفتتپه در برابر تمام این کارشکنی‌ها و سیاست‌هایی که هدف آن به‌زانو درآوردن اعتراض‌کنندگان است دست به مقاومت و اعتراض زده و به‌طور یکپارچه وارد میدان مبارزه شده‌اند. صرف‌نظر از اعتصابات و تجمعات کارگران تا قبل از تیر سال جاری از جمله اعتصاب و تجمع خردامه که رئیس پاسگاه هفتتپه برای ارباب و پراکنده ساختن کارگران اقدام به تیراندازی هوایی کرد، اعتصاب اخیر کارگران از روز ۲۴ تیر آغاز شده و تا به امروز ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ ادامه یافته است. کارگران هفتتپه ۱۸ روز پیاپی با تجمع در محوطه شرکت و در سنگر مبارزه، ضمن اعلام مکرر خواست‌های خود از جمله پرداخت فوری سه ماه حقوق معوقه، تعیین تکلیف قطعی شرکت، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سایر کارگران اخراجی، تمدید قرارداد کارگران غیر نیشکری و دفع آفات و واکسیناسیون کارگران در مقابل کرونا، خواهان رسیدگی به مشکلات خود و سامان یابی اوضاع شرکت شدند. اما ازآنجا که هیچ‌کس صدای کارگران را نشنید و هیچ‌یک از خواست‌ها برآورده نشد، کارگران هفتتپه نیز از روز نهم مرداد و در نوزدهمین روز اعتصاب، تجمعات خود را به بیرون از کارخانه و مقابل فرمانداری شوش کشانده‌اند. کارگران مبارز هفتتپه با سردادن شعارهایی چون: کارگر می‌میرد- نلت نمی‌پذیرد، " مرگ بر ستمگر- درود بر کارگر" ، " حامی مفسد هستند- از اینترنت می‌ترسند"، "مشه‌ری به هوش باش- ما کارگریم نه اوباش" در بازار و خیابان‌های شهر شوش به تظاهرات و راهپیمایی مسالمت‌آمیز پرداختند. در این روز کارگران معترض هفتتپه در مسیر راهپیمایی خود با سردادن شعار "خوزستان بیچاره - مسئول خوب ندازه"، دفتر نماینده شهرستان شوش "محمد کعب عمیر" را

## پاسخ کارگران هفتتپه به بی‌اعتنایی طبقه حاکم

وکیل کارگران هفتتپه ادامه داده و درصدد آن است که وی را به اتهاماتی چون "تبلیغ علیه نظام" و "عضویت در گروه‌های معاند" و امثال آن نیز محاکمه کند.

بر همگان روشن است که فرزانه زیلابی به خاطر دفاع جانانه و بی‌چشمداشت از کارگران هفتتپه که



مبارزات آن‌ها عقب‌نشینی دولت در زمینه خلعید از بخش خصوصی در هفتتپه را در پی داشت، به دستگاه امنیتی و قضایی احضار شده و برایش پرونده‌سازی شده است. دستگاه حکومتی نسبت به شکست خود در برابر اتحاد و استمرار مبارزه کارگران هفتتپه، از زیلابی وکیل کارگران هفتتپه انتقامجویی می‌کند. همه کارگران این را می‌دانند که زیلابی توان دفاع از کارگران هفتتپه را پرداخت می‌کند. پرونده‌سازی علیه زیلابی و انتقامجویی از وی یعنی پرونده‌سازی و انتقامجویی از کارگران هفتتپه. ارباب و تهدید و اعمال فشار علیه زیلابی، یعنی ارباب و تهدید و تشدید فشار بر کارگران هفتتپه.

همگان به یاد دارند که در جریان مبارزات دلاورانه کارگران هفتتپه، بسیاری از دانشجویان و فعالان سیاسی نیز از این مبارزات و مطالبات کارگران دفاع و حمایت کردند که اغلب آن‌ها مورد تعقیب و پیگرد دستگاه امنیتی و قضایی قرار گرفتند. برخی از آن‌ها بازداشت و زندانی و شکنجه شدند و پس از مدت‌ها حبس و آزار و اذیت همگی آزاد شدند. اما یکتن از این مبارزان که سپیده قلیان باشد همچنان زندانی و زیر شکنجه است و حتی جانش در معرض خطر است. سپیده قلیان در آبان ۹۷ همراه با بیست تن از فعالان کارگری هفتتپه توسط پلیس امنیت شوش بازداشت شد. سپس به زندان زاهدان و بعد تهران منتقل شد و مانند اسماعیل بخشی زیر شکنجه قرار گرفت. در تاریخ ۲۰ اسفند ۹۹ با دستبند و پابند از زندان اوین به زندان بوشهر تبعید شد. جنایتکاران حاکم برای تحقیر سپیده قبل از انتقال، او را با همان دستبند و پابند در میدان انقلاب تهران گردانند. سپیده خود در این مورد می‌گوید: "دست و پالم را غل و زنجیر کردند و به میان مردم در میدان انقلاب بردند و چرخاندند." اما در زندان بوشهر نیز وی را آرام نگذاشتند. روز ۲۹ تیر به دستور و تحت حمایت مقامات زندان، ۸ زندانی به سپیده قلیان حمله‌ور شدند و به‌قصد کشتن، او را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند. این سوءقصد در حالی صورت گرفت که مجمه‌دهی حاج محمدی مدیر سازمان زندان‌ها پس از یک بازدید نمایشی از زندان بوشهر، ادعا کرد سپیده قلیان از وضعیت زندان رضایت دارد. این سوءقصد جنایتکارانه نشان داد که حبس طولانی‌مدت سپیده قلیان، عطش دستگاه حکومتی در سرکوب و انتقامجویی از حامیان کارگران هفتتپه را فرونشانده است.

## گزارش کوتاهی از آکسیون ۳۱ جولای در میدان ترافگار در لندن



شنبه سیام ماه جولای، هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) همراه با دیگر نیروهای چپ و کمونیست، در میدان ترافگار لندن از ساعت یک تا سه بعدازظهر اکسیونی حمایتی از مبارزات مردم ایران برگزار نمودند. در این اکسیون شعارهایی در حمایت از اعتراضات مردم خوزستان و همچنین به دفاع از اعتصابات کارگران نفت، گاز، پتروشیمی و هفتتپه داده شد. در این اکسیون شعارهایی نیز در حمایت از زنان داده شد.

خبرهای انتشاریافته در تجمعات اخیر کارگران نیز حاکی از آمادگی بسیاری از خانواده‌ها برای ورود به این صحنه است.

افزون بر این کارگران هفتتپه چنانکه در گذشته نیز توانسته‌اند حمایت سایر کارگران را جلب کنند، باید از این سنت خوب و مؤثر کارگری استفاده کنند. کارگران هفتتپه می‌توانند حمایت و همبستگی کارگران فولاد، هیکو، انر آب کارگران پروژه‌های پیمانی نفت و سایر کارگران را جلب کنند. معلمان و دانشجویان و بازنشستگان تأمین اجتماعی و سایر زحمتکشان نیز همواره آماده‌اند از کارگران هفتتپه پشتیبانی کنند. این، بر عهده کارگران پیشرو هفتتپه است که مکانیسم‌های لازم برای جلب چنین حمایت‌هایی را تدارک ببینند.

ما پیش‌ازاین در نشریه کار متذکر شده بودیم که پروزی کارگران هفتتپه در خلعید از اسد بیگی گرچه بسیار مهم است اما تنها گام نخست در مسیر یکراه پیمایی طولانی پر سنگلاخ و ناهموار است. ما اشاره داشتیم به اینکه این پروزی باید مقدمه پروزی‌های بعدی باشد و تأکید کردیم مبارزه کارگران هفتتپه وارد مرحله جدیدی شده که بسی مشکل‌تر و پیچیده‌تر از مبارزات پنج سال گذشته است. این‌ها نکاتی است که کارگران آگاه و پیشرو هفتتپه نیز بدان اشراف دارند. اکنون باید اضافه کنیم که کارگران مبارز هفتتپه، با اتحاد و مبارزه متشکل و مستقل و تقویت جبهه خویش قادرند بر تمام بی‌میلی‌ها و بی‌اعتنایی کارفرما و دولت حامی او نقطه پایان بگذارند. کارگر هفتتپه پاسخ بی‌اعتنایی طبقه حاکم را با تشدید مبارزه و تقویت جبهه خویش خواهد داد.

کارگران هفتتپه و همه آزادخواهان و مدافعان حقوق کارگر این اقدام جنایتکارانه را محکوم کردند. کارگران هفتتپه بارها از سپیده قلیان قدرانی کرده‌اند. در جشن و پای‌کوبی کارگران به مناسبت اعلام خلعید از اسد بیگی، اسماعیل بخشی و سایر کارگران هفتتپه و سندیکای آن‌ها از سپیده قلیان که همدوش کارگران هفتتپه بوده و به خاطر ایستادن در کنار این کارگران بازداشت و زندانی و اسیر دست اسبنداد شده، قدرشناسی نموده و خواستار آزادی وی شده‌اند.

علاوه بر تشدید انواع فشارها علیه کارگران هفتتپه به‌ویژه فعالان و نمایندگان آن‌ها، اقدامات دستگاه امنیتی و قضایی علیه حامیان کارگران هفتتپه و تشدید فشار و تهدید علیه آن‌ها، بیشک برای خاموشی و خالی کردن دل کارگران و مدافعان آن‌ها است. این اقدامات اما در اراده کارگران این شرکت و مبارزه برای احقاق حقوق خویش کمترین تأثیری نداشته است. اگر که بازداشت و شکنجه علی‌نجاتی عضو باسابقه سندیکای کارگران هفتتپه، بازداشت و شکنجه و اخراج اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران هفتتپه نتوانست خللی در اراده کارگران این شرکت به ادامه مبارزه ایجاد کند، بدیهی است کارگر هفتتپه با چنین تهدیدات و فشارها و اقداماتی نیز صحنه مبارزه را ترک نخواهد کرد. کارگر هفتتپه از سر تصادف و تفنن وارد اعتصاب و مبارزه نشده است. او تحقق مطالباتی را پیگیری می‌کند که برایش حیاتی است و حتی اگر بخواد، نمی‌تواند صحنه مبارزه را ترک کند.

مهم اما در شرایط کنونی این است کارگران هفتتپه اتحاد و استقلال طبقاتی خود را حفظ کنند و علاوه بر آن به‌گونه‌ای عمل کنند که کارفرما و حامیان وی را به پندیرش خواست‌های خود وادار کنند. واقعیت این است که کارفرما و مدیریت



هفتتپه و دولت حامی این‌ها، سعی می‌کنند بابتی اعتنایی نسبت به اعتراض و اعتصاب، کارگران را خسته و فرسوده سازند تا در اثر طولانی شدن اعتصاب و بدون نتیجه ماندن آن، کارگران بدون دست‌یابی به خواست‌های خود، به اعتصاب و اعتراض پایان دهند. اعتصابات هفتتپه، از جمله اعتصاب اخیر کارگران که امروز یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ وارد بیستمین روز خود شده است، مکرر این واقعیت را اثبات نموده که کارفرما و حامیان وی، به‌سادگی حاضر نیستند حرف کارگر را بشنوند، مگر آنکه سببه کارگران پرزور باشد و از اعتصاب و اعتراض، ضرر و زیانی متوجه آن‌ها شود و هزینه بی‌اعتنایی را بالا ببرد. کارگران هفتتپه برای تقویت موقعیت خود می‌توانند و باید خانواده‌ها را نیز به‌رمغ همه مشکلات و محدودیت‌هایی که دارند، به میدان مبارزه بکشانند.

## «صیانت از کاربران فضای مجازی» یا «صیانت از جمهوری دزدان و فاسدان»

۸۵ بررسی شود بین سه تا پنج سال به صورت آزمایشی اجرایی خواهد شد».

تصویب طرح «صیانت از کاربران فضای مجازی» که نام کامل آن «قانون حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» می‌باشد، از زمستان گذشته در مجلس اسلامی مطرح گردید. طراحان این قانون در حالی هدف خود را سازماندهی فضای مجازی اعلام کرده بودند که خامنه‌ای بارها از «اول بودن» فضای مجازی شکایت کرده بود و در واقع این کار نمایندگان مجلس اسلامی «لیبیک» به دیکتاتور حاکم بر ایران بود.

این طرح قرار بود حتی پیش از «انتخابات ریاست‌جمهوری» به تصویب برسد که به دلیل انعکاس منفی وسیع این طرح آن هم در شرایطی که جمهوری اسلامی کاسه گدایی برای جمع‌آوری رای به دست گرفته بود، بحث بر سر این طرح منتهی گردید. ۱۶ خرداد خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران گفتگویی با رضا تقی‌پور نماینده مجلس اسلامی و مسئول فضای مجازی ستاد انتخاباتی ابراهیم رئیسی در رابطه با بررسی طرح «سازماندهی فضای مجازی» در کمیسیون فرهنگی منتشر کرد و در خبر خبرگزاری تسنیم آمده بود که «این طرح به امضای ۱۷۰ نماینده مجلس رسیده است و در صورت بررسی طرح در صحن مجلس تصویب آن قطعی خواهد بود». انعکاس وسیع این خبر به‌گونه‌ای بود که این خبرگزاری بدون هیچ‌گونه توضیحی و به شکلی کاملاً ناشیانه خبر را حذف کرد و به جای آن از قول رضا تقی‌پور نوشت که از سخنان‌اش سوءاستفاده شده است!! تنها دو روز پیش از انتشار این خبر، ابراهیم رئیسی که در ایام تبلیغات انتخاباتی بود به خبرنگاران رسانه‌های جمهوری اسلامی گفته بود: «اینترنت و فضای سایبری نیاز مهم و ضروری امروز جامعه است و تمام مردم باید از آن بهره‌مند شوند. برای کسانی که امکان پرداخت هزینه‌های اینترنت را ندارند باید یک کف خاصی به رایگان که میزان آن بعداً مشخص می‌شود در نظر گرفت تا این امکانات در دسترس و همه‌گیر شود و برای تمام شهرها و روستاها و مردم باسواد و بی‌سواد این فضا وجود داشته باشد. امروز ضرورت و نیاز اینترنت مانند آب و برق شده است و همه مردم باید از یک حداقل از فضای مجازی و اینترنت برخوردار باشند».

البته برخلاف وعده‌های انتخاباتی، همان‌طور که در جمهوری اسلامی مردم از آب و برقی که قرار بود مجاني شود محروم شده‌اند، حکومت بدنبال آن است تا مردم را از اینترنت و فضای مجازی نیز محروم کند. ما در نشریه کار شماره ۹۲۴ به بررسی جزئیات این طرح پرداخته و نشان داده بودیم که هدف از این «قانون» یعنی به اسارت درآوردن فضای مجازی، به صراحت در بند بند آن آمده است. موضوعی که برای مردم ایران نیز کاملاً روشن است و کارگران آگاه هفت‌تپه در اعتراضات اخیر خود با شعار «حامی مفسد هستند از اینترنت می‌ترسند» بر آن تاکید کردند.

حکومتی که مردم را به خاطر اعتراض به گران

اجتماعی بوده و هدایت‌گر اصلی «ارتش سایبری» جمهوری است، با انتشار یادداشتی در خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران از این طرح حمایت کرده و حتی آن را «اولین گام برای ملی سازی حکمرانی فضای سایبری» عنوان می‌کند، مشکل نیست تا به اهداف واقعی این «قانون» پی برد.

غلامرضا نوری قزله نماینده مجلس اسلامی که به طرح فوق رای منفی داده بود در رابطه با این طرح به خبرگزاری دولتی «ایلنا» گفت: «آخرین متنی که من در سامانه دیدم در تاریخ ۴ مرداد، بود که در ۴- ۵ ماه آینده با مسدودی و محدودیت‌های شدید پلفرم‌های خارجی مواجه خواهیم بود. به این علت که در اینجا گفته است آن‌ها باید ضوابط داخلی ما را بپذیرند و در کشور دفتر ثبت کنند، سرور خود را به داخل کشور بیاورند. همه این موارد خوب است اما باید توجه کنیم که با چه محدودیت‌هایی مواجه هستیم. یعنی از یکسو ما مشابه داخلی را کم داریم و در سوی دیگر خارجی را هم تصریح کرده‌ایم بعد از چند ماه مسدود می‌شود، با این شرایط اگر جلو برویم در ظاهر نمی‌گوییم که می‌خواهیم مسدود کنیم، اما در نهایت منجر به همین می‌شود».

از سخنان مضحک سیدنظام‌الدین موسوی سخنگوی هیات رئیسه مجلس و رئیس فراکسیون فضای مجازی و رسانه مجلس که پیش از نمایندگی مجلس مدیرعامل خبرگزاری فارس بود نیز نباید گذشت که در دفاع از ارجاع طرح به کمیسیون ویژه برای تصویب و قانونی کردن آن گفت: «تعدادی از نخبگان و منتخبان کمیسیون‌های مرتبط در کمیسیون مشترک برای تصویب این قانون حضور دارند». برآستی کدام نخبه در مجلس اسلامی حضور دارد که کسی از آن خبری ندارد؟! وی از جمله افرادی است که به شدت طرفدار ایجاد اپلیکیشن‌های داخلی برای جایگزین انواع خارجی است و مسلماً جیب گشادی نیز برای پول‌هایی که باید برای ایجاد این اپلیکیشن‌ها صرف شود آماده کرده است.

اساساً یکی از مواردی که منجر به دو دستگی در میان دست‌اندرکاران حکومتی شده این است که مخالفان معتقدند خلاء قانونی در این رابطه وجود ندارد و البته درست هم می‌گویند. مگر برای فیلتر کردن فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام کسی از قانونی بودن یا نبودن آن حرفی به میان آورد؟! عباس سلیمی نمین در گفتگو با خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران می‌گوید: «مشکل اصلی ما در این زمینه صرفاً قانون نیست، طبعاً آنچه را که در اقدام مجلس وجود دارد در حکم رهبری به شورای عالی فضای مجازی می‌توان مشاهده کرد».

مساله این است که در پوشش این «قانون» قرار است همچنین پول کلانی برای ایجاد اینترنت داخلی و شبکه‌های مجازی داخلی از جیب مردم خرج شود و افرادی مانند نظام‌الدین موسوی برای آن پول کیسه دوخته‌اند. جدا از این، هم اکنون بیش از نیمی از کاربران اینترنت در ایران عضو اینستاگرام هستند. این شبکه‌ها همچنین امکان بازاریابی برای محصولات بسیاری از صاحب‌کاران کوچک به وجود آورده‌اند که خود آن را ساخته و در این شبکه‌ها عرضه می‌کنند. هم‌اکنون این‌ها عرصه‌هایی است که افرادی چون در صفحه ۷

شدن بنزین کشتار می‌کند، حکومتی که مردم را به خاطر نداشتن آب آشامیدنی به گلوله می‌بندد و جوانان را به قتل می‌رساند، به فکر «صیانت» از حقوق مردم در فضای مجازی افتاده است. برآستی مضحک نیست؟! «صیانت» کلمه رمز سانسور و تحت کنترل درآوردن فضای مجازی است. پیش‌بینی مجازات زندان برای کاربران از جمله برای استفاده از فیلتر شکن و بستن شبکه‌های اجتماعی پرطرفدار مثل اینستاگرام در صورتی که به خواسته‌های جمهوری اسلامی تن ندهند، نه به دلیل «صیانت» از حقوق کاربران این شبکه‌ها بلکه با هدف «صیانت» از حکومت اسلامی است که شبکه‌های اجتماعی حکومت سانسور و دروغ آن را به چالش کشیده‌اند و جمهوری اسلامی هر بار که با اعتراضات توده‌ای روبرو می‌شود مانند قیام آبان و اعتراضات خوزستان، با قطع اینترنت سعی می‌کند مانع انتقال اخبار مبارزات مردم و جنایات رژیم شود.

تلاش مجلسیان برای کنترل فضای مجازی در این طرح آن‌چنان هودیداست که حتی حامیان پروپاقرص آن در مجلس اسلامی نیز به آن اعتراف دارند. عباس مرادی یکی از این افراد است که در گفتگوی «اینستاگرامی» با خبرنگار خبرگزاری فارس با «آسمان ریسمان به هم بافتن» تلاش کرد اهداف اصلی این طرح را بپوشاند، اما ثم خروس بیرون زد وقتی که گفت: «ما چهار ماه مهلت دادیم که اینستاگرام و گوگل بیابند با ما صحبت کنند و به قوانین ما تن بدهند!! یعنی اینستاگرام و گوگل بیابند و بپذیرند که نقش جاسوس و همکار جمهوری اسلامی برای به بند کشیدن کاربران را ایفا کنند!! او با ناراحتی می‌گوید که این شرکت‌ها مشخصات مردم ما را دارند و می‌خواهد این مشخصات در اختیار جمهوری اسلامی باشد. او این‌گونه خود را به نفهمی مضحکی می‌زند که گویا نمی‌داند مردم بیش از هر چیز نگران افتادن مشخصات خود به دست جمهوری اسلامی هستند و اتفاقاً از این شرکت‌ها می‌خواهند که مشخصات‌شان را به جمهوری اسلامی ندهند!!

آخوند مجید نصیریایی سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس نیز مضحک‌تر از مرادی به دفاع از این طرح پرداخته و می‌گوید: «برای پلنفرم‌های پرکاربرد مانند اینستاگرام و واتساپ به صراحت فیلتر آن‌ها قبل از وجود جایگزین داخلی و خارجی ممنوع اعلام شده». پس یکی از اهداف این «قانون» جایگزینی این شبکه‌ها با شبکه‌هایی است که قرار است زیر نظر حکومت طراحی شوند. آخوند حسین میرزایی عضو کمیسیون فرهنگی نیز هدف این طرح را دخالت تمام ارگان‌ها از کابینه تا قوه قضاییه، مجلس و نهادهای زیر نظر خامنه‌ای در اداره فضای مجازی اعلام می‌کند. به بیان صریح‌تر کنترل فضای مجازی توسط ارگان‌هایی که در سرکوب اعتراضات توده‌ها نقش دارند همچون سپاه پاسداران و غیره.

وقتی سردار سپاه غلامرضا جلالی رئیس «سازمان پدافند غیرعامل کشور» که یکی از طرفداران سرسخت فیلترینگ شبکه‌های

## رویارویی مستقیم خامنه‌ای با روحانی در جلسه وداع

لحظه استقرار در ایران از حمایت قدرت‌های امپریالیست غربی، به‌ویژه قدرت‌های اروپایی برخوردار بوده است. نه گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در ایران تغییری در این دوستی و حمایت داد، نه بمب‌گذاری و گروگان‌گیری لبنان، نه سیاست خاورمیانه‌ای بوش پسر و محور شرارت و نه گروگان‌گیری شهروندان اروپایی و آدم‌کشی و تروریسم در کشورهای اروپایی. حتی ترامپ با تمام تحریم‌هایش برای واداشتن جمهوری اسلامی به عقب‌نشینی بر سر اختلافات منطقه‌ای، پنهان نکرد که تمام این اقدامات فقط برای آوردن جمهوری اسلامی بر سر میز مذاکره است و نه دشمنی و تلاش برای سرنگونی آن. علاوه بر این، پوشیده نیست که خود وی به‌عنوان رئیس واقعی سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی، همواره دستور گفتگو و مذاکره با قدرت‌های غربی را صادر کرده است. او البته به‌عنوان رهبر تروریست‌های اسلام‌گرای شیعه در منطقه، باید در پشت پرده زد و بندها باقی بماند و شعارهای ضد آمریکایی و غربی سر دهد تا بتواند سیاست‌های ارتجاعی توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه خود را در منطقه پیش ببرد. البته این نیز واقعیتی است که خامنه‌ای در اوضاع کنونی جهان، جایگاه و منافع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی را در بلوک‌بندی‌های امپریالیستی، در بلوک چین و روسیه می‌بیند. وی پس از این مقدمه‌چینی در مورد شکست سیاست غرب‌گرای روحانی، وارد بحث مذاکرات برجام شد، آن را نیز شکست‌خورده اعلام کرد و ادامه داد:

"آمریکایی‌ها بر سر موضع عنادآمیز خودشان محکم ایستادند و یک قدم جلو نیامدند. روی کاغذ یا در مقام وعده می‌گویند بله، ما تحریم‌ها را برمی‌داریم، [اما] برداشتنند و برنمی‌دارند هم؛ شرط می‌گذارند؛ می‌گویند اگر می‌خواهید تحریم‌ها برداشته بشود، باید الان در همین توافق یک جمله‌ای را بکنجانید که این جمله به معنای آن باشد که بعداً باید درباره‌ی این موضوعات با شما صحبت کنیم و توافق کنیم؛ اگر چنانچه این جمله را نکنجانید ما الان با همدیگر توافقی نخواهیم داشت. این جمله چیست؟ این جمله یک بهانه‌ای است برای مداخلات بعدی؛ درباره‌ی خود برجام، تمدید برجام، درباره‌ی مسائل گوناگون، درباره‌ی موشک، درباره‌ی منطقه، که اگر شما بعداً گفتید که نه من در این مورد بحث نمی‌کنم یا مثلاً سیاست کشور اجازه نمی‌دهد یا مجلس اجازه نمی‌دهد، خواهند گفت خیلی خب شما نقض کردید، پس هیچ، توافق بی‌توافق. .... الان هم که [به آنها] گفته میشود شما بایستی قول بدهید، تضمین بدهید که نقض نمی‌کنید، می‌گویند نه، ما تضمین نمی‌دهیم."

از گفته‌های وی چنین برمی‌آید که توافق برسراحيی برجام همان‌گونه که روحانی اعلام کرد، صورت گرفته، اما دعوا بر سر این است که آیا ماده‌ای منضم به برجام یا جدا از آن در بیانه نهایی توافق گنجانده شود که بعداً مذاکرات بر سر دیگر مسائل مورد اختلاف از جمله اختلافات منطقه‌ای و موشکی ادامه پیدا کند یا نه؟ اختلاف جدی که باعث شد خامنه‌ای دستور توقف

مذاکرات را صادر کند و مانع از امضای آن گردد، بر سر همین مسئله بود. اگر جمهوری اسلامی تضمین را نیز چاشنی مطالبات خودکرده است صرفاً در ارتباط با همین موضوع است و آن را مانعی در برابر خواست دولت آمریکا برای مذاکرات موشکی و منطقه‌ای قرار داده است. بعید است خامنه‌ای این را نفهمیده باشد که نه بایدن از چنین قدرتی برخوردار است که به جمهوری اسلامی تضمین دهد و نه پارلمان آمریکا چنین چیزی را تصویب خواهد کرد. چراکه حتی با حل قطعی اختلاف بر سر برجام، اختلافات اساسی‌تر دولت آمریکا با جمهوری اسلامی همچنان باقی است. خامنه البته یک اهرم فشار و امتیازگیری مهم هم در دست دارد و آن پیشرفت‌های هسته‌ای و افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم به خلوص بالای ۶۰ درصد است که می‌تواند تا ۹۰ درصد نیز افزایش یابد.

مسئله ادامه مذاکرات بر سر موضوعات دیگر تاجایی که به دست‌بندی‌های گروه‌های رقیب، از جمله طیف موسوم به اصلاح‌طلب و اصول‌گرایان به‌اصطلاح معتدل از قماش روحانی برمی‌گردد، ناهتفا مانع نیست، بلکه از دیدگاه آن‌ها راه‌حلی برای بحران‌های بی‌شمار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی و طبعه حاکم است. بنابراین حتی با آمدن آن در برجام هم مخالفتی ندارند. از اخبار انتشاریافته چنین برمی‌آید که در توافق موردنظر روحانی، قرار بوده است بحث مذاکرات بعدی پس از توافق احیای برجام در بیانه پایانی وزرای خارجه عضو برجام آورده شود.

روز شنبه این هفته سایت اینترنتی وابسته به خامنه‌ای، متن گفتگویی را با کاظم غریب آبادی نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی در وین و عضو هیئت مذاکره‌کننده را پیرامون اختلافات بر سر توافق برجام، انتشار داد. وی در پاسخ به این سؤال که شرط مورد اشاره خامنه‌ای چه بود و چگونه در مذاکرات مطرح می‌شد؟ گفت: "آمریکا و طرف‌های غربی برای پیشبرد تقاضای نهایی کردن آن و همچنین رفع برخی تحریم‌ها، اصرار کردند که بندی در بیانه‌ی وزرا در خصوص گفتگوهای بیشتر در آینده برای سه موضوع درج شود: اول، اقدامات بیشتر در مورد تقویت مؤثر روابط اقتصادی و تجارت بین‌الملل ایران شامل تغییر در سیاست تحریمی آمریکا، دوم، تضمین منافع عدم اشاعه‌ی برجام در درازمدت و سوم، گام‌هایی برای حمایت و تقویت امنیت منطقه‌ای در میان کشورهای منطقه‌ی خلیج‌فارس شامل کاهش تنش و اقدامات اعتماد ساز از طریق گفتگو در منطقه. که موضوع سوم موردقبول جمهوری اسلامی قرار نگرفت و رد شد."

او در ادامه صحبتش اما می‌گوید: "این سری، حتی فراتر رفتند و اصرار کردند که خواسته‌شان به‌نوعی در متن گنجانده شود." و "کل تقاضا را به پذیرش بندی در خصوص انجام گفتگوهای آتی در مورد مسائل منطقه‌ای گره زدند که کاملاً با موضوع مذاکرات غیر مرتبط و مضر است. رفع برخی تحریم‌ها و همچنین خروج نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست گروه‌های تروریستی را مستقیماً به پذیرش این بند منوط

کردند."

"حاضر به برداشتن تحریم‌ها علیه بیش از ۵۰۰ نفر از اشخاص حقیقی و حقوقی -که توسط دولت ترامپ به بهانه‌ی غیرهسته‌ای تحت تحریم قرار گرفتند، حاضر به ارائه‌ی تضمین در مورد عدم تکرار رفتارهای مشابه دولت قبل در قبال تقاضای هسته‌ای نشدند."

وی توضیح نداد که منظورش از "این سری" کدام است و چه شد توافقی را که قرار بود در بیانه پایانی وزرای خارجه کشورهای عضو برجام انتشار یابد به گنجاندن آن در متن تغییر یافت؟ آیا پس از رد پیشنهاد توافق حسن روحانی از سوی خامنه‌ای برای وارد آوردن فشار بیشتر به جمهوری اسلامی بود یا دلایل دیگری داشت؟ آنچه تاکنون روشن است، آمریکایی‌ها باروحنانی بر سر مسائل مورد اختلاف توافق کرده بودند و ادامه مذاکرات بعد از توافق احیای برجام را نیز در بیانه پایانی پذیرفته بودند. این خامنه‌ای بود که دبه درآورد و عجلالتاً توافقات را به بعد موکول کرد.

اما از دیدگاه خامنه‌ای و دست‌بندی‌های پشت سر او، مسائل منطقه‌ای و موشکی در زمره اختلافاتی است که به‌سادگی نباید زیر بار آن رفت. شاید جمهوری اسلامی زیر فشار وضعیت وخیم اقتصادی و مالی تحت شرایطی به‌صورت توافقی ضمنی، مجزا و مخفی به چنین مذاکراتی تن دهد و حتی در جریان مذاکرات، عقب‌نشینی‌های تاکتیکی هم بکند، اما بعید است که با گنجاندن آن در توافق برجام و یا بیانه پایانی موافقت کند و خود را به انجام آن ملزم بداند. این را خامنه‌ای به‌صراحت نیز در همین دیدارش با کابینه روحانی اعلام کرد.

با تمام این اوصاف، مذاکرات برجام اکنون به نقطه‌ای رسیده که باید حل شود. به‌رغم این‌که دولت روسیه هم به نحوی از موضع جمهوری اسلامی حمایت می‌کند و ایرنا روز جمعه از قول نماینده روسیه در این مذاکرات نوشت: "واقعاً هدف موافقت شده مذاکرات وین احیای برجام در شکل اولیه آن نه کمتر و نه بیشتر است. همه شرکت‌کنندگان در برجام باید مراقب باشند به‌گونه‌ای اقدام نکنند که حتی به‌صورت غیر هدفمندانه این تصور به وجود آید که از هدف مشترک عدول می‌کنند. حتی نباید چنین تصویری به وجود آید که کسی سعی دارد نکات جدیدی به معامله هسته‌ای بیفزاید." اما تأکید نمود که مذاکرات رسمی سریع‌تر باید از سر گرفته شود. به‌جز جمهوری اسلامی که هنوز تاریخی برای ازسرگیری مذاکرات اعلام نکرده است، تمام طرف‌های برجام آمادگی خود را اعلام کرده‌اند. در ضمن، به‌رغم قطع مذاکرات رسمی، مذاکرات در پشت پرده همچنان ادامه دارد و دیپلمات‌ها سرگرم توافق بر سر یک فرمول‌بندی جدید موردقبول طرفین‌اند. نماینده روسیه در ادامه تویت خود افزوده است: "برحالی‌که مذاکرات رسمی قطع‌شده است، مذاکرات غیررسمی ادامه دارد."

پوشیده نیست که جمهوری اسلامی هم پس از آغاز به کار رئیسی، مذاکرات رسمی را از سر خواهد گرفت و طرفین با بده و بستان‌های مرسوم دولت‌های سرمایه‌داری به توافق لاف‌لر بر سر احیای برجام دست خواهند یافت. اما با کدام سیاست و هدف؟ غریب آبادی در پاسخ به این در صفحه ۷

## رویارویی مستقیم خامنه‌ای با روحانی در جلسه وداع

سؤال که در دور آتی مذاکرات، رویکرد و مدل جمهوری اسلامی چگونه باید باشد، پاسخ می‌دهد: "مواضع بالادستی نظام، قانون اقدام راهبردی مجلس شورای اسلامی و دستاوردهای هسته‌ای کشور موقعیت مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران در هر مذاکره‌ای فراهم نموده است. طبیعتاً، طرف‌های مقابل تلاش خواهند کرد تا با توسل به ابزارهای مختلف مانع بهرمندی ما از موقعیت تقویت‌شده شوند، اما مهم این است که ما با طراحی و برنامه‌ریزی مناسب و پرهیز از عجله حداکثر بهره‌برداری را به عمل آوریم. مذاکرات صرفاً باید هسته‌ای باشد و طرح و بررسی هرگونه ایده‌ی غیر مرتبط باید از دستور کار حذف شود. حضور و نفوذ منطقه‌ای و موشک ابزار قدرت ایران است و به‌هیچ‌وجه قابل‌مذاکره نخواهد بود."

روشن است که جمهوری اسلامی مستقیم و علنی با مذاکرات بر سر مسائل منطقه‌ای و موشک‌ها توافق نخواهد کرد. مطلوب جمهوری اسلامی این است که هر دو طرف از ادعاهای خود بر سر دو اختلاف اساسی تضمین و طرح اختلافات باقی‌مانده کوتاه بیایند. اگر هم سرانجام به توافقی برای مذاکرات پس از توافق برجام دست یابند، در یک قرار جداگانه و مخفی خواهد بود. برای جمهوری اسلامی اما این‌که توده‌های زحمتکش مردم ایران در این شرایط تحریم، فقر، گرسنگی، بیکاری، گرانی چه می‌کشند، همان‌گونه تجربه چند سال اخیر نشان داده است، اصلاً مطرح نیست. بحث جمهوری اسلامی این است که بتواند موشک‌های بالستیک دوربرد داشته باشد، به توسعه‌طلبی پان‌اسلامیستی ادامه دهد، سپاه پاسداران و دیگر مزدوران جمهوری اسلامی از لیست ترور درآیند و نه برداشته شدن فشار تحریم از روی دوش توده‌های مردم ایران. البته مردم ایران نیز تکلیف خود را با رژیم که این‌همه فاجعه به بار آورده روشن کرده و به پا خاسته‌اند تا آن را سرنگون کنند. سراسر ایران را هم‌اکنون امواج مبارزه فراگرفته است. مبارزه‌ای که باگذشت هرروز وسعت یافته و رادیکال‌تر شده است.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## سیل خروشان اعتراضات مردم و اهمیت اعتصابات سراسری

شورایی کارگران و زحمتکشان است. در کشاکش سیاسی موجود میان انقلاب و ضد انقلاب، که یک سوی آن طبقه کارگر و عموم توده‌های مردم ایران قرار دارند و در سوی دیگر، جمهوری اسلامی و تمامی مدافعان نظم موجود که از امکانات فراوان مادی و بلندگوهای تبلیغاتی جهان سرمایه داری برخوردارند، همگان چشم به انتظار یک رهبری مقتدر برای هدایت این انقلاب اند. اپوزسیون ضد انقلاب و مدافعان حفظ مناسبات موجود برای بدیل جمهوری اسلامی به دنبال یافتن یک رهبری فردی همانند خمینی روزشماری می‌کنند. نتیجه اعمال چنین رهبری که منافع بورژوازی و نظم موجود را رهبری می‌کند، پیشاپیش برای همگان روشن است. شکست انقلاب و آنچه در انقلاب ۵۷ بر سر کارگران و توده‌های مردم ایران آمد. اینکه هر انقلابی نیازمند هدایت و رهبری است، اینکه هیچ انقلابی بدون رهبری انقلابی به سرانجام نمی‌رسد، از بدیهیات هر جنبش انقلابی است. انقلابی که در پیش است توده‌های مردم ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. تمام بحث و جدال موجود در باره هدایت و رهبری انقلاب کنونی، مبارزه و تلاش برای کسب قدرت سیاسی است. روشن است، انقلاب پیش روی کارگران و توده‌های بپا خاسته مردم ایران نیز بدون یک رهبری انقلابی که همانا رهبری و هژمونی طبقه کارگر است، هرگز راه به جایی نخواهد برد. اما فراموش نکنیم، رهبری و هژمونی طبقه کارگر در خلاء و بدون حضور موثر طبقه کارگر در عرصه مبارزاتی و دامن زدن به اعتصابات سراسری ایجاد نمی‌شود. در اعتصابات کارگران پروژه ای نفت و پتروشیمی، طی یک ماه و اندی که از آن گذشته است، همه نگاه‌ها به سمت بیابانه‌های "شورای سازماندهی اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی" است. چنین اتفاقی سه سال پیش هم با طرح شعار "نان، کار، آزادی - اداره شورایی" در اعتصابات هفت تپه رخ داد. وقوع این دو اتفاق و دیگر اعتصابات کارگری نشان داده است که تا چه حد جامعه با شوق و ذوق به انتظار رهبری و هژمونی طبقه کارگر چشم دوخته است. اگر علاوه بر شورای سازماندهی کارگران پروژه ای نفت و پتروشیمی، شورای سازماندهی اعتصابات در هر کارخانه، خصوصاً در رشته‌های زنجیره ای همانند برق و مخابرات و معدن شکل گیرد، و از دل این اعتصابات سراسری یک شورای هماهنگی مشترک ایجاد شود که قادر به هدایت اعتصابات در سراسر کشور باشد، بی تردید وجود و شکل‌گیری چنین شورای سراسری، نقطه آغاز هژمونی طبقه کارگر برای رهبری و هدایت انقلاب پیش رو خواهد بود. اگر طبقه کارگر به صورت عملی نتواند توده‌های بپا خاسته مردم ایران را زیر چتر حمایت مبارزاتی خود بگیرد، اگر طبقه کارگر مردم ایران را که با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در خیابان‌ها حضور دارند، تنها بگذارد و به صورت عملی و با اعتصاب و اقدام به اعتصابات سراسری در کنارشان نباشد، فردا بسیار دیر خواهد بود.

## "صیانت از کاربران فضای مجازی" یا "صیانت از جمهوری دزدان و فاسدان"

نظام‌الدین موسوی از آن بوی پول به مشام‌شان می‌رسد. ناگفته نماند که این طرح در واقع طرح حکومت است و اگر طرح حکومتی نبود نمی‌توانست و نمی‌تواند به قانون تبدیل شود. جدا از تاکیدات چندین باره‌ی خامنه‌ای برای ایجاد محدودیت و کنترل فضای مجازی، علی‌خضریان نماینده مجلس اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس به صراحت این موضوع را لو می‌دهد. او می‌گوید: "ابتدا جا دارد از همه نمایندگان به خصوص رئیس مجلس که روز گذشته در فراکسیون نیروهای انقلاب با تبیین اهمیت موضوع و اعلام صریح موافقت با اعمال اصل ۸۵ قانون اساسی برای طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی موجب انسجام بیشتر نمایندگان شد، نایب رئیس که در غیاب رئیس مجلس به دلیل سفر از پیش تعیین شده به سوریه اداره جلسه را به صورت آرام و منطقی به همراه بیان دیدگاه‌های مختلف برعهده داشت و همچنین رییس مرکز پژوهش‌های مجلس که گزارش دقیقی از دلایل اعمال اصل ۸۵ برای این طرح شد، تشکر می‌کنم." به عبارت دیگر استفاده از اصل ۸۵ قانون اساسی برای قانونی کردن این طرح کاملاً نظر رئیس مجلس، معاون وی و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس بوده است. در حالی که مردم ایران با معضلات بیشماری روبرو هستند، مجلس اسلامی به عنوان بخشی از دستگاه حکومتی و در راستای سیاست‌های حکومت تنها به فکر این است که چگونه می‌توان حلقه‌های سرکوب را محکم‌تر ساخت. نه معیشت مردم مسأله این افراد است نه بی‌آبی و بی‌برقی. این قانون نیز چیزی نیست جز ادامه سیاست‌هایی که جمهوری اسلامی برای ممانعت از انتشار اخبار و عقاید تاکنون به‌کار گرفته و تنها "قانونی‌تر" کردن کنترل شبکه‌های اجتماعی و کاربران را هدف قرار داده است. هم‌اکنون نیز به رغم عدم تصویب این قانون هر روزه شاهد دستگیری تعدادی از فعالان شبکه‌های اجتماعی به اتهام فعالیت در این شبکه‌ها از طریق انتشار اخبار و ابراز عقیده هستیم. اما همان‌طور که مسدود کردن تلگرام و فیلترکردن فیس‌بوک و توییتر نتیجه‌ی دلخواه حاکمیت را بدنبال نداشت، این قانون نیز نمی‌تواند به هدف دلخواه حکومت برسد. حتا آذری جهرمی وزیر کابینه روحانی نیز به آن اعتراف دارد. تکنولوژی با سرعتی بسیار بیشتر در حال پیشرفت است و همان‌طور که دیگر محدودیت‌ها از ممنوعیت دستگاه فتوکپی گرفته تا ممنوعیت دستگاه پخش کاست و ویدئو و سپس ماهواره و فیلترینگ تلگرام و غیره به شکست انجامید، این نیز به شکست خواهد انجامید. فیلترشکن‌ها، اینترنت ماهواره‌ای و امکانات دیگری که در راهند، مانع بزرگ جمهوری اسلامی برای کشیدن حصار و سانسور خبری هستند.



## رویارویی مستقیم خامنه‌ای با روحانی در جلسه وداع

نداشت که توپخانه حملاتش را متوجه روحانی و کابینه وی کند. او در مورد سیاست داخلی کابینه روحانی که این‌همه فاجعه برای توده‌های مردم ایران به بار آورد، چیزی نگفت و مستقیماً سراغ سیاست خارجی و مذاکرات احیای برجام رفت. او نخست سیاست روحانی را که برای نزدیکی بیشتر به قدرتهای امپریالیست غربی تلاش می‌کرد، در برابر سیاست خودش که نزدیکی به امپریالیست‌های روسی و چینی در شرق است، شکست‌خورده اعلام کرد و گفت: "در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد؛ به ما کمک نمی‌کنند و هر جا بتوانند ضربه می‌زنند؛ آنجایی که ضربه نمی‌زنند، آنجایی است که امکانش را ندارند؛ هر جا امکان داشته‌اند ضربه

زده‌اند؛ این تجربه‌ی بسیار مهمی است. ... هر جا شما موضوعات را به توافق با غرب و به مذاکره‌ی با غرب و با آمریکا و مانند اینها موکول کردید، آنجا ماندید و نتوانستید پیش بروید؛ چون آنها کمک نمی‌کنند، دشمنی [می‌کنند]، دشمنند دیگر." خامنه‌ای که شارلاتانیزم را به اوج رسانده، حقیقت را کتمان کرد. جمهوری اسلامی فرزند قدرتهای امپریالیست غربی در ایران است. آن‌ها هستند که جمهوری اسلامی را بر سرکار آوردند. تمام ماجرای اجلاس گوادلوپ و ادامه آن دیگر بر کسی پوشیده نیست. جمهوری اسلامی در تمام دوران موجودیت خود تا به امروز، از همان در صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[https://t.me/fadaian\\_aghaliyat](https://t.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 931 August 2021



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:  
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی